

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پرسش و پاسخ در خصوص ماه مبارک رمضان و شب قدر



پایگاه ندای پاک فطرت

nedayepakefetrat.ir

۱- ماه مبارک رمضان ویژگی‌ها و فضیلت‌های خاص خود را دارد. خداوند در ماه مبارک رمضان امتیازات و برکات ویژه‌ای قرار داده است؛ مثلاً تلاوت یک آیه در ماه رمضان مانند ختم قرآن در ماه‌های دیگر سال تعریف شده یا حتی خواب انسان در این ماه تسبیح محسوب می‌شود و ...، به نظر شما علت این جود و بخشش گسترده حضرت باری تعالی در این ماه چیست؟

در ابتدا لازم است این نکته مطرح شود که جواب این نوع سؤالات زمانی قابل حل است که با دید معرفتی به مسئله نگاه شود، نه با نگاه صوری. با نگاه صوری جواب هیچ یک از این‌ها قابل حل نیست. اما با نگاه معرفتی، حتی بدون سؤال هم روشن است که چه اتفاقی می‌افتد.

مثالی عرض کنیم تا مطلب کمی واضح‌تر شود؛ فرض بفرمایید اگر با یک فرد بیابان‌نشین و صحرانشین که هیچ اطلاعی از برق ندارد، از برق صحبت کنیم، خیلی برایش نامأنوس است. سیم دارای برق سه‌فاز را یک طناب می‌بیند. اگر به او بگوییم که اگر کسی نزدیک این بشود، درجا او را خواهد کشت؛ برایش سؤال می‌شود که این طناب چگونه می‌تواند یک فرد را بکشد؟ شمشیری، کلنگی، نفتی هم وجود ندارد! چرا؟ چون به مسئله نگاه صوری دارد. اگر بگوییم که این سیم و برق، این قوه را دارند که اگر دستگاهی به آن وصل کنیم، تابستان‌ها یخ تولید می‌کند، تعجب خواهد کرد؛ اگر بگوییم که اگر دستگاهی به آن وصل کنیم می‌تواند دو آهن را به هم جوش بزند، مجدداً تعجبش بیشتر خواهد شد؛ اگر بگوییم دستگاه دیگری می‌تواند این دو آهن را آره و پودر کند، باز بیشتر تعجب می‌کند؛ زیرا این‌ها متضاد هم هستند و قابل جمع نیستند. حال اگر مسئله انرژی برای این فرد روشن شود و انواع و اقسام آن معلوم شد و اثر انرژی بر مواد را متوجه شود، اصلاً سؤالی ایجاد نمی‌شود.

بنابراین کسی که عالم خلقت را با صورت قضاوت می‌کند، امکان ندارد مسائل برایش حل شود. مثلاً صورت ماه، صورت فصل‌ها، صورت انسان، صورت اعمال، صورت نور و تاریکی و... این صورت‌ها اجازه نمی‌دهند انسان ببیند که چه حقایقی در جریان است. تا زمانی که حجاب اصلی بین صورت و حقیقت از بین نرفته است، این مسائل قابل حل نیست و اگر هم با جواب‌هایی حل شود، این حل‌شدن موقتی و تبعیدی است؛ درحالی‌که سؤال همچنان در وجود انسان باقی است.

پس مطلب اول اینکه، این نوع سؤالات برخاسته از این است که انسان نگاه صوری دارد؛ درحالی‌که باید نگاه معرفتی داشته باشد. دوم اینکه صورت مسائل و منیت انسان مانع بزرگی است و تا زمانی که از بین نرفته است امکان ندارد انسان به حقیقت راه پیدا کند. سوم اینکه اگرچه ممکن است برای ما قابل دریافت نباشد که در حقیقت چه اتفاقی می‌افتد، لیکن نمونه‌های متعددی در صورت وجود دارد که خاصیت و تفاوت‌های اشیاء، زمان و مکان را به ما نشان می‌دهد. مثلاً اگر کسی بیاید در بهمن‌ماه یک خروار هسته فلان میوه را در بهترین زمین کشاورزی بکارد، هیچ اتفاقی نخواهد افتاد و همه در داخل زمین پوسیده می‌شود؛ لیکن در اثر حرکت شبانه‌روز، مثلاً در ماه فروردین یا اردیبهشت، اگر چند هسته را در همان مکان بکارد، یک ماه بعد، باغچه گلستان می‌شود و عطرهاى مختلفى متصاعد می‌شود و منطقه را معطر می‌کند. مگر همان هسته و همان مکان نیست؟

چه رسد به اینکه حقیقت عالم برای ما باز شود. لذا اگر هم صورت زمان بهار، همان صورت زمان بهمن باشد، اما در نظام آفرینش این‌ها متفاوت‌اند و یکی نیستند. حالا اگر کسی بگوید که این‌ها مربوط به تابش آفتاب و این مسائل است، می‌گوییم که این نظر شما است. به دلیل اینکه آگاهی شما بالاتر رفته، این مطلب را می‌گویید، یک

بچه هشت ساله نمی تواند این را بگوید. اگر آگاهی شما بیشتر هم بشود، عللی بالاتر از این تأثیرات مادی را بیان خواهید کرد.

این مختصر توضیحی بود که بتوانیم یک پاسخ اساسی بدهیم. لذا ما باید به جای اینکه درباره چگونگی برخی اتفاقات سؤال داشته باشیم، بیاییم به اعتبار اینکه این را یک فرد معصوم و صدیق و مصدق فرموده است، با یک تعبد آگاهانه و نه با تعبد کورکورانه، آن را عمل کنیم و جدی بگیریم و سپس برکات آن را در عمل مشاهده کنیم.

لذا مرحله اول جواب، همان امکان وقوع برخی مسائل همانند اثرگذاری یک اتفاق بر دهها و صدها اتفاق دیگر است که عرض شد. مرحله دوم جواب، با عمل کردن جدی و به واسطه پی بردن به درون مسائل با عمل به ظواهر اعمال، برای ما روشن خواهد شد.

۲- در آستانه شب های قدر قرار داریم، لطفاً برای مان از جایگاه و فضیلت این شب در آیات و روایات بفرمایید.

کافی است ما فقط در خود سوره قدر عمیقاً تفکر کنیم. هرچقدر در این سوره تفکر کنیم، باز جای تفکر دارد. مثلاً وقتی خداوند در این سوره می فرماید: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ»، خداوند نمی فرماید «انا انزلنا القرآن»، نمی فرماید «انا انزلنا الكتاب»؛ بلکه می فرماید آن «ه» نازل می شود؛ یعنی عمق حقیقت قرآن نازل می شود. یا می فرماید: «تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ». نمی دانیم ملائکه یعنی چه. همان بحثی که در سؤال قبل مطرح شد. ما تصور درستی از ملائکه نداریم و گرفتار صورت مسائل هستیم و تصویری از ملائکه در ذهن خود درست کرده ایم. در روایات و ادعیه و قرآن،

عبارت دیگر ملائکه می‌شود «مدیران اصلی عالم خلقت». ما نتوانسته‌ایم درک کنیم وقتی درخت رشد می‌کند، ملائکه چگونه در آن دخالت دارند یا چگونه ملائکه در بارش باران، هر قطره قطره آن را تا رسیدن به زمین با یک تشریفاتی مشایعت می‌کنند. مسئله «تَنْزِلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ» هم به طریق اولی برای ما معلوم نیست.

هرچقدر در این مسائل عمیقاً تفکر شود، مسئله برای ما روشن‌تر می‌شود. این در شب قدر می‌تواند برای ما اتفاق بیفتد. «كُلُّ أَمْرٍ» چه معنایی دارد؟ اگر انسان به این تفکر کند حیران می‌ماند. وقتی پلک انسان تکان می‌خورد، خودش یک امر است. هر بادی که برگی را تکان می‌دهد، خودش یک امر است و موجود جدیدی اتفاق می‌افتد.

قرآن می‌فرماید: «خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ». «أَلْفِ شَهْرٍ» فقط به معنای هزار ماه نیست. «أَلْفِ شَهْرٍ» عمر یک انسان نیست. «أَلْفِ شَهْرٍ» دوره‌ای از نسل انسان و تاریخ انسان است. «أَلْفِ شَهْرٍ» حوادث یک دوره تاریخ است. در «أَلْفِ شَهْرٍ» کل تحولات عالم خلقت، با تمام عظمتش، در این شب اتفاق می‌افتد. ممکن است برای کسی سؤال شود که چگونه می‌شود یک چیز برای هزار چیز مؤثر باشد؟ در جواب خورشید را مثال می‌زنیم. خورشید هم یک کره است، اما «ما ادراک ما الکره»؟ اینکه چگونه کره‌ای است قابل درک نیست. تمام کرات این منظومه، تحت تأثیر این کره خورشید است و اگر یک ذره تکانی بخورد، کل منظومه چه می‌شود؟ در یک مملکت، هشتاد میلیون انسان است. یک نفر دیگر هم وجود دارد و این انسان هم فقط یک نفر است، اما سرنوشت آن هشتاد میلیون با آن یک نفر گره خورده است. یک شب است، اما اشرف از هزار سال.

اینکه چگونه این یک شب، هزار ماه را تحت تأثیر قرار می‌دهد، نگذاشته‌اند این مسائل با نگاه معرفتی برای ما باز شود.

اگر انسان در ایام دیگر نتواند معنای «سَلَام» را درک کند، در این شب می‌تواند آن را حس کند. اگر تربیت خودش را از ماه رجب جدی می‌گرفت و خودش را آماده می‌کرد و دستورات صادق مصدق را جدی می‌گرفت و از ماه رجب شروع می‌کرد، می‌توانست این «سَلَام» را حتی به مقدار کمی هم حس کند، سرنوشتش انسان را زیر و رو می‌کرد. آن موقع می‌دانست که سرنوشت انسان عوض می‌شود یعنی چه. احیا به این معنا است. به این معنا نیست که با زور خودش را بیدار نگه دارد و فردا هم به دیگری بگوید که تو خواب بودی و من بیدار مانده بودم!

لذا خود تفکر در این سوره خیلی می‌تواند در آمادگی انسان کمک کند.

۳- امام صادق (علیه‌السلام) در حدیثی می‌فرماید حقیقت شب قدر، حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) است و اگر کسی به ایشان معرفت پیدا کند، شب قدر را درک کرده است. از طرف دیگر هم در قرآن کریم آمده: «وَمَا أَذْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ»؛ به نظر شما چطور می‌شود به معرفت فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها) که حقیقت شب قدر است، دست یافت؟

همانند بحث قبلی است. تا زمانی که انسان نتوانسته است به حقیقت خانم فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها) راه پیدا کند، نمی‌تواند درک کند که این شب چه شبی است. اگر می‌خواهد درک کند، باید حقیقت خانم فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها) را درک کند؛ این توصیه خود قرآن است. خداوند می‌فرماید: «سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ». اگر این «سَلَام» قابل درک نبود که (نعوذ بالله) باید لغو باشد که بخواهد این را اشاره کند. «وَمَا أَذْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ» یک تحریک و ترغیب است، نه اینکه انسان

نمی‌تواند آن را درک کند. گاهی این «وَمَا أَدْرَاكَ» از باب عظمت مسئله است، نه محال‌بودن درک آن. البته اگر انسان خودش را آماده نکند، نمی‌تواند آن را درک کند.

۴- چه کنیم تا در شب‌های قدر بهترین بهره‌مندی را داشته باشیم؟

این مربوط به استعداد افراد است و استعداد هرکس متناسب خودش است. عمده این است که انسان اصطلاحاً به نقطه انفجار، اشتعال، تراکم یا جوش برسد. اگر به اینجا برسد، با یک «یا الله» هم، این انفجار حاصل می‌شود.

فرض کنید استعداد یک فرد با آن گناهان و آلودگی‌هایش در شرایط خاصی قرار دارد. اما یک دل‌شکستگی برایش ایجاد می‌شود، تصمیم جدی می‌گیرد، توبه عمیقی می‌کند و جبران را هم از همان لحظه شروع می‌کند؛ طوری که آن نقطه اشتعال یواش‌یواش برایش حاصل می‌شود.

یا فرد دیگری توفیق تدبر بر مضامین ادعیه، آیات و روایات برایش حاصل می‌شود و رفته‌رفته با تدبر جدیدی، فهم و نور جدیدی برایش ایجاد می‌شود. اینجا فرد با عمق‌دادن شروع می‌کند و به نقطه اشتعال می‌رسد.

یک فرد، تمام تفکراتش را روی مباحث مربوط به امام و امامت، توجه به معصومین (علیهم‌السلام)، نقش امام در عالم هستی می‌برد؛ تا اینکه به آن نقطه اشتعال می‌رسد.

فرد دیگری یک‌سری رذایل داشته، می‌رود با قاطعیت آن‌ها را می‌شکند، تا حدی که به درجه اشتعال می‌رسد. مثلاً غرورش نمی‌گذاشت که برود از کسی حلالیت بطلبد. شکستن این غرور همان و بازشدن نور همان.

لذا استعداد هرکس متناسب با خودش است.

در کنار این مسائل، یادکردن زیاد اموات اثرات زیادی دارد؛ زیرا آنها به ما نیاز زیادی دارند. اگر انسان از صمیم قلب برای آنها مخصوصاً ارحام، مخصوصاً ذوی الحقوق دعا کند، ای بسا دعای آنها و دعای یک فرد در آن عالم، می تواند برای ما بسیار برکات داشته باشد. هرچقدر انسان، به عالم آخرت و شگفتی های عالم خلقت، توجه و تفکر عمیق کند، می تواند برای انسان نقطه اشتعال باز شود.

راه های زیادی وجود دارد. برای هر فرد به تناسب خودش، آنچه قلب او را واقعاً تکان می دهد و می لرزاند، مسیر شکوفایی استعداد او در این شب ها است و برکات خاص خود را دارد. در عین حال باید از معصومین (علیهم السلام) کمک بخواهیم. سرخود نمی شود. این اصل لایتغیر است. خود فرد نمی تواند بگوید من تصمیم می گیرم امشب فلان طور عبادت کنم و چیزهایی بگیرم. نمی شود. باید ذلیلانه از اهل بیت (علیهم السلام) کمک خواست تا اینکه عنایتی شود.

۵- اهل بیت (علیهم السلام) در روایتی فرمودند: «به وسیله سوره قدر با دشمنان ما مواجه کنید.» به نظر شما منظور از این حدیث چیست؟

همان طور که اشاره شد، کسی که به سوره قدر معرفت پیدا کند، کلاً به حقیقت قرآن، به حقیقت امامت متصل می شود. از «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» توحید شروع می شود، به «إِنَّا» می رسد. این «إِنَّا» توحید است و سلسله مراتب عللی است که با اذن خداوند می رسد تا اینکه یک عملی اتفاق بیفتد. تمام ملائكة الله و تمام ابزارها. اگر انسان به «ه» برسد، آنجا تمام حقایق وجود دارد. مدیریت ملائكة و روح هم این چنین است. اگر کسی به «سَلَام» رسیده است، همه چیز آنجا هست. این «سَلَام» جایزه و پاداش اصلی است؛ لذا انسان با رسیدن به این حقایق می تواند به نحو احسن با شبهات و دشمنان مواجه شود.